

در نامه محمد فاضلی
به رئیس جمهوری مطرح شد:

اعتراض به انتقال آب خلیج فارس به اصفهان

پس از افتتاح خط انتقال آب خلیج فارس به اصفهان، محمدفاضلی، جامعه‌شناس نامه‌ای اعتراضی به مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری نوشته است. در ابتدای این نامه آمده است: «دبروز به دستور شما خط انتقال آب خلیج فارس به اصفهان افتتاح شد. استاندار اصفهان گفته‌اند: «محور اصلی این پروژه، احیای اکوسیستم‌های تشنه استان است.» در ضمن گفته‌اند: «این پروژه مسیر را برای تخصیص آب بیشتر به زیست‌بوم رودخانه، حفظ کامل حقایقه‌های زیست‌محیطی تعریف‌شده و از همه مهم‌تر، احیای تالاب‌های پایین‌دست، به‌ویژه تالاب بین‌المللی گاوخونی، هموار می‌کند و این یک گشایش تاریخی در مدیریت منابع آب است.» استاندار اصفهان فقط به تاریخی دانستن این گشایش در مدیریت منابع آب قناعت نکرده و فرموده‌اند که ما با تکیه بر دانش و اراده ایرانی، توانستیم بر مسافت طولانی بیش از ۴۰۰ کیلومتر و اختلاف ارتفاع چشمگیری فائق آییم و این دستاورد، الگویی موفق برای اجرای پروژه‌های عظیم انتقال آب در سایر مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور است.» او در ادامه نوشته است: «جناب رئیس جمهور، دقت بفرمایید که در همان لحظه که این گشایش تاریخی در مدیریت منابع آب را اعلام کرده‌اند، از نمد آن کلاه‌ی برای «اجرای پروژه‌های عظیم انتقال آب در سایر مناطق خشک و نیمه‌خشک» هم دوخته‌اند. لاجرم باید نتیجه بگیریم که این گشایش تاریخی، خوشمزه بوده است. اما من متخصصان بسیاری می‌شناسم که با ادله متقن به خسارت‌بار بودن این گونه پروژه‌های انتقال آب برای خزانه ملت، محیط زیست کشور و سیاست‌گذاری منابع آبی شهادت می‌دهند. من مجبورم از جنابعالی خواهش کنم از نمدالان کلاه‌دوز پروژه‌های انتقال آب - مشخصاً همین پروژه که افتتاح فرمودید - توضیح بخواهید و امر بفرمایید به چند سؤال زیر پاسخ دهند. اگر هم صلاح ندیدند که پاسخ‌ها را به اطلاع رعیت برسانند، اقلاً خودتان به‌عنوان رئیس جمهور در جریان آمار و ارقام پاسخ‌ها قرار بگیرید. ۱- کل آبی که این خط انتقال به اصفهان منتقل می‌کند، چند مترمکعب است؟ ۲- مقدار آب انتقالی با چند هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری حاصل می‌شود؟ ۳- هزینه عملیات انتقال (انرژی مصرفی، نگهداری و تعمیرات و...) سالانه چند تومان است؟ ۴- قیمت هر مترمکعب آب انتقال یافته به اصفهان برای مصرف در صنایع چقدر است؟ ۵- مقدار آب انتقال یافته، در مقایسه با کل مصارف آب (کشاورزی، شرب و بهداشت، صنعت) حوضه آبریز زاینده‌رود، چند درصد مصارف را شامل می‌شود؟ ۶- این انتقال آب، سبب افزایش مصرف آب در سراسر حوضه آبریز زاینده‌رود می‌شود یا به کاهش مصرف می‌انجامد؟ ۷- حرکت به سمت سطحی از پایداری منابع آب در حوضه آبریز زاینده‌رود، مستلزم چقدر کاهش در مصرف آب است؟ ۸- کاهش مقدار مصرف آب موضوع سؤال هفتم، مستلزم چقدر سرمایه‌گذاری و در چه بخش‌هایی است؟ ۹- سایر گزینه‌های در دسترس برای کمک به پایداری منابع آب حوضه آبریز زاینده‌رود (کاهش هدررفت، بهبود کشاورزی، تصفیه و بار چرخ آبی و...) مستلزم چه مقدار هزینه بوده و این هزینه‌ها در مقایسه با هزینه‌های انتقال آب خلیج فارس، چه وضعیتی دارند؟ ۱۰- هم‌زمان با احداث خط لوله انتقال آب خلیج فارس به اصفهان، چه مقدار در سایر فعالیت‌های ضروری برای پایداری سازی منابع آب حوضه آبریز زاینده‌رود سرمایه‌گذاری و هزینه شده است؟» در موارد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ این نامه آمده است: «اثرات محیط‌زیستی حاصل از شیرین‌سازی و نمک‌زدایی این خط انتقال بر آب خلیج فارس، و بالابردن جزایر و نواحی ساحلی متأثر از آن، چگونه مدیریت شده است؟ گزارش اثرات محیط‌زیستی این خط انتقال کجاست؟ چه کسی تهیه کرده و سازوکار مدیریت تأثیرات محیط‌زیستی آن چیست؟ هزینه سرمایه‌گذاری برای ساخت خط انتقال آب خلیج فارس به اصفهان، از کدام محل تأمین شده و به چه شرکت‌هایی پرداخت شده است؟ فرض کنید هزینه هر مترمکعب آب انتقال یافته به اصفهان فقط یک دلار است (که هزینه‌ها بیشتر است.) حالا تصور کنید بازار آبی در حوضه آبریز زاینده‌رود بر مبنای خرید هر متر مکعب آب یک دلار راه اندازی شود که هدف از آن، کاهش مصرف آب با ابزارهای اقتصادی باشد. فکر می‌کنید چقدر آب برای فروش در این حوضه آبریز ارانه می‌شود؟ و چگونه ابزار اقتصادی می‌تواند با ترتیبات مشخصی در خدمت کاهش مصرف آب در حوضه و پایداری قرار گیرد؟»

فاضلی در پایان نوشته است: «جناب آقای پزشکیان، می‌نویسم که در تاریخ ثبت شود و نسل‌های بعد نگویند پدران ما آنقدر خنگ بودند که نفهمیدند این لوله‌کشی‌ها نه برای آب و نه برای درم‌ان درد آب بود. شما هم حواس‌تان باشد، برای بقیه «مناطق خشک و نیمه‌خشک» هم از این خواب‌های لوله‌ای دیده‌اند.»

عکس: Gettyimages

روایت
پژوهشگران



پژوهشگران اجتماعی در نشست «مواجهه علوم اجتماعی ایران با مسئله بیگانه‌ستیزی» مطرح کردند

دانشگاه از پرداختن به مهاجران جاماند

خودش آگاه بود، می‌خواست صدا دار باشد و فعالیت انجام دهد. در آن زمان فرصت بسیار خوبی برای جامعه‌شناسی فراهم بود چون جامعه‌شناسی است که می‌تواند ثبات به‌وجود آورد، ادبیات تولید کند و فضای کلی مهاجرستیزی را از بین ببرد. این کاری بود که کنشگران اجتماعی باید انجام می‌دادند و ندادند، «وزوایی از نهادهایی گفت که مسئله مهاجرت را به‌شکل کلی و ساختاری بررسی می‌کنند و درباره آن می‌نویسند: «نوعی منزوی بی‌نی در جامعه‌شناسی ماست که برای حفظ رویکرد علمی خود، فاصله می‌گیرد. ما بارها شنیده‌ایم که می‌گویند، می‌خواهند جامعه مهاجر را در واقعیت خودش ببینند. چنین رویکردی تبدیل به عادت شده که کنش علمی از کار دانشگاهی جداست و کاری دون پایه است. درحالی‌که براساس همان نگاه جهانی هم که دارند، بحث کار متنوع کردن و پرداختن به اینکه موسسات پژوهشی توسط جامعه مهاجر اداره شوند یا مسئله آزار جنسی یا اقلیت‌های جنسیتی همه از کنش‌های دانشگاهی که اساتید و پژوهشگران در آن نقش داشتند، در سطح بین‌المللی شکل گرفتند.»

او معتقد است ساختن حربه برای مقابله کردن با ریاضت اقتصادی توسط شکست‌های اقتصادی، اجتماعی و شکست‌های دولت است که در جامعه رخ می‌دهد و هژمونی علیه مهاجرانی ساخته‌شده که خیلی از آنها صحبتی نمی‌شود: «تونی مورتن، اصلی‌ترین کارکرد نژادگرایی را انحراف ایجاد کردن برای کنش کردن و کاری که باید انجام شود، می‌داند. مدام باید همه چیز توضیح داده شود که هم خسته‌کننده است و هم با جامعه‌ای از مهاجران در شرایط فعلی روبرو هستیم که کنش آنها، امنیتی محسوب می‌شود و نسبت به آنها، هم حمله امنیتی، هم اجتماعی وجود دارد و آنها حتی از توضیح دادن هم در برخی مواقع محروم می‌شوند. اینجا ما با میدانی مواجه‌ایم که عامدانه جریان‌ها و کمپین‌هایی با محتوای جعلی ایجاد می‌کنند و هژمونی علیه دیگری بزرگ بر ساخته‌ای ساخته و بار شکست‌هایش را روی دوش او می‌اندازد.» او در نهایت سیاست خانه‌به‌خانه را راه حل کنشگری در این وضعیت و تغییر آن دانست: «ما باید از اینکه بگوییم مسئله‌ای به‌وجود آمده که باید آن را بررسی کنیم، فاصله بگیریم. آدم‌ها می‌دانند مسائل‌شان چیست و راه حل‌ها را هم بهتر از ما می‌دانند؛ اما ما وظیفه بازکردن فضا را داریم تا نیروهای محرک اجتماعی که مهاجران هستند، بتوانند فعالیت کنند، کنش انجام دهند و ادبیات تولید کنند. آنها دیده‌های جدیدی دارند که در این بن‌بست‌هایی که ما هستیم، شاید راهگشا باشد.»

به اعتقاد وزوایی، کنش دانشگاهی می‌تواند در این زمینه اقدام‌هایی داشته باشد که از بیان حفاظت‌ساز در برابر آنها فاصله بگیرد، نزدیک‌تر بایستد و منجر به حفاظت‌ساز

وزوایی که در بازه زمانی سال‌های ۹۳ تا ۹۷ روی تز دکترایش کار می‌کرده و تحقیقی در همین رابطه انجام داده، معتقد است این بازه زمانی بود که از نظر سیاسی اهمیت زیادی دارد: «پیش از آن در مقاله‌ها، کتاب‌های منتشرشده و مطبوعات، موارد کمی از بازنامی مسئله مهاجرت دیده می‌شود و جامعه واکنشی نسبت به این پدیده ندارد. در این بازه، در بحث مهاجرت اتفاقات مهمی می‌افتد. مهاجرت به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی مطرح می‌شود و بحران پناهنجویی با جنگ سوریه رخ می‌دهد. مواجهه اروپا با این بحران است و جامعه افغانستانی همان‌زمان بیشتر وارد اروپا شدند. جامعه ما هم به تبع تمام این موارد، نسبت به این موضوع واکنش داشت و در همین دوره است که رهبری برای آموزش افغانستانی‌ها اتفاق می‌افتد.» به گفته او، سه اتفاق جدید در حوزه برهم کنش نهاد‌های مدنی و جامعه دانشگاهی در موضوع افغانستانی‌ها تجربه شده است: «یکی، مطرح شدن موضوع نخبگان افغانستانی است که بسیار بیشتر درباره آن نوشته شده. مسئله دیگر، سیاست‌گذاری رسمی درباره مهاجرت و مسئله دولت است. مسئله بعدی هم انسانی‌سازی مهاجران است که هر سه این رویکردها قابل انتقاد است.» او بر این باور است که هیچ شکلی از شنیدن، پیوند برقرار کردن و کنشگری مشترک در این دوران شکل نمی‌گیرد و بازنامی فعالان دانشگاهی افغانستانی، دانشجویان و کسانی که صدا داشتند و کارهای مهمی در آن دوران انجام می‌دادند هم بسیار پایین است: «در حقیقت شکلی از ستم و مقاومت دیده می‌شود. ارتباط در میدان رخ می‌دهد و براساس ستم، نوعی جریان مقاومت شکل می‌گیرد.» پس از این دوره است که برخی نهادهای مدنی شکل می‌گیرند و در حوزه مهاجرت فعالیت می‌کنند: «در این دوران پژوهش‌ها و کتاب‌های مهمی هم منتشر می‌شود و سیاست هویت اهمیت پیدا می‌کند. در بحث جهانی هم این بازنامی‌ها بیشتر می‌شود اما در کشور ما روی ادغام اجتماعی تمرکز می‌شود و جامعه دانشگاهی کمتر به سمت شمول اجتماعی حرکت می‌کند.» به گفته او: «به جای آنکه نگاه جهانی داشته باشیم و ببینیم در اروپا به چه سمتی می‌روند، اینجا اتفاقاتی است که در میدان خودمان رخ داده است. فرصت‌های مهمی بودند، تغییراتی را صورت دادند، نهادهایی برای آن در حال فعالیت بودند و پژوهش‌هایی انجام می‌شد. سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی این پژوهش‌ها را انجام می‌دادند و با اینکه جامعه دانشگاهی آنها را انجام می‌دادند اما نتیجه آنها در حد همان سازمان‌ها باقی می‌ماند. در نتیجه تأثیری در افزایش شئون اجتماعی و مبارزه با دیگری‌ستیزی ندارد.» یکی از امواج مهاجرستیزی که جامعه دانشگاهی می‌توانست نسبت به آن واکنش نشان بدهد، قدرت‌گیری طالبان بود اما چنین اتفاقی نمی‌افتد: «در سال ۱۴۰۱ در جامعه‌ای که کنش اجتماعی انجام می‌داد، همدلی شکل گرفت. جامعه‌ای که نسبت به



شیمای وزوایی
پژوهشگر ارتباطات:
ساختن حربه برای
مقابله کردن با
ریاضت اقتصادی
توسط شکست‌های
اقتصادی، اجتماعی
و شکست‌های
دولت است که در
جامعه رخ می‌دهد و
هژمونی علیه مهاجرانی
ساخته شده که
خیلی از آنها صحبتی
نمی‌شود. با جامعه‌ای
از مهاجران در شرایط
فعلی روبرو هستیم
که کنش آنها، امنیتی
محسوب می‌شود و
نسبت به آنها، هم
حمله امنیتی، هم
اجتماعی وجود دارد